

اجازات و اسناد آیت الله حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار ساوجی

صادق حضرتی آشتیانی

چکیده

این مقاله نگاهی گذرا دارد به زندگی علمی و عملی دو تن از روحانیون برجسته، در دوره پهلوی اول و دوم، به نام‌های آیت الله حاج شیخ محمدرضا و آیت الله حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار ساوجی (پدر و فرزند) و پس از آن می‌پردازد به منابع، اسناد و گواهی و اجازاتی که آیت الله حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار ساوجی از عالمان سترگ و بلند آوازه آن زمان در زمینه اجتهاد، کمک به فقرا، علم و فضل و روایت و نقل حدیث اهل بیت علیهم‌السلام دریافت نمودند.

آیت الله حاج شیخ محمدرضا ساوجی

عالم، فقیه، شاعر و عارف وارسته، فرزند حجت الاسلام شیخ ابوالقاسم ساوجی در سال ۱۲۹۴ ق (۱۲۵۶ ش) در خاندانی رهر و علم و دین پا به عرصه هستی نهاد، خواندن و نوشتن و ادبیات را تا حدود مطول نزد پدر فاضل خود فرا گرفت، سپس برای تکمیل تحصیلات و استفاده از منابع علمی به تهران سفر نمود. حدود بیست سال در آنجا از محضر اساتید و بزرگان بهره برد، در آستانه چهل سالگی به قم بازگشت و با مختصر عواید ملکی و موروثی خود در نهایت عسرت و قناعت به استفاضه پرداخت.

مرحوم شریف رازی در کتاب گنجینه دانشمندان در مورد ایشان نوشته است:

«مرحوم مبرور آیت الله حاج شیخ محمدرضا معروف به شریعتمدار ساوه ای از علماء اعلام و دانشمندان بنام این شهرستان بوده است... آن جناب از علماء دوره اخیر و علما و عملاً هنوز ضرب‌المثل قم و ساوه می‌باشند، و در فنون ادبیت از عربی و فارسی و تفسیر و فقه و اصول سرآمد قرآن... [و] در زهد و تقوی و قدس و ورع از

افراد نادر زمان خود بوده است.^۱

پرهیزگاری و خلوص فضل آن وجود مقدس به طوری توجه رجال و بزرگان علمی حوزه علمیه را به خود معطوف ساخت که همیشه در این امور مورد شور و اعتماد آیات عظام قرار می‌گرفت، نظریه‌های روشن و پیشنهاداتش درباره اداره تشکیلات حوزه نو بنیاد از طرف اولیای روحانی مشتاقانه استقبال می‌شد، بی‌تردید آن بزرگوار را می‌توان یکی از مسببان اصلی تشکیل حوزه علمیه قم دانست، زیرا هنگامی که مرحوم آیت الله حائری برای زیارت به قم تشریف آوردند و عده زیادی از علما و وعاظ برجسته قم و تهران در منزل مرحوم آیت الله فیض شرفیاب بودند، مرحوم ساوجی در جمع بزرگان، سخنانی نافذ و کارسازی ایراد نمود که همه را برای اقامت آیت الله تهییج و بسیج ساخت، آیت الله هم در مقابل پاسخ‌های خردمندان و باریک بینی ایشان به شگفت آمد، در نتیجه رضایت نسبی آن وجود مقدس فراهم آمد.

از مقام زهد آن بزرگوار، همین بس که چندین سال در اثر سرمای شدید املاک ساوه بد محصول شد، ایشان از لحاظ معاش در مضیقه بودند، بعد از مدتی آیت الله از طریق مراوده خانوادگی از وضع زندگی آن مرحوم مطلع گردید و به وسیله مقسم خود مقدار معتابیهی وجه ارسال فرمودند تا به وضع رقت‌بار آن عالم پرهیزگار خاتمه داده شود، ولی دیناری از آن پول‌ها مورد قبولشان واقع نگردید، در عوض اظهار داشتند: تا کارد به استخوان نرسد، دیناری از اموال وجوه را مصرف نخواهم کرد، این همت مردانه و استغناء طبع که نیروی ایمان و توکل، انگیزه آن بود، تا آخر عمر مانند چراغی خاموش نشدنی در وجود مقدسش باقی ماند، تا اینکه در شب ۱۳ ماه رجب ۱۳۶۳ ق. در اثر بیماری و ضعفی که فقط نامالایمات دینی و فشار وجدان علت آن بود، دار فانی را بدرود گفت. با درگذشت وی، جامعه روحانیت یکی از برجسته‌ترین و فداکارترین فرزندان خود را از دست داد.

شخصیت علمی و عملی ایشان از توصیفات و افادات برخی از بزرگان هم عصرش به روشنی نمایان است، مراجع عالی‌قدر و علمای بزرگ در نامه‌های متبادله او را با عناوین ارجمندی چون حضرت مستطاب، ملا ذالانام، مروج الاحکام، عالم جلیل و نظیر آن یاد نموده‌اند.

شایسته ذکر است، شاگردانی که در مکتب آن وجود مبارک تربیت شدند، در تقوی و آشنایی با مسائل دینی بی‌نظیر بودند. در زمان حیاتش، مجالس تفسیر و ادعیه مبارکه در تمام ایام هفته در محافل دینی دایر بود و عده کثیری از انفاس قدسیه و مواعظ انوار مقدسش مستفیض می‌شدند، آیت الله شریعتمدار - اعلی الله مقامه - علاوه بر تبحر فوق‌العاده‌ای که در علوم عربی، فقه، اصول و منطق داشتند، نمونه یک فرد بزرگ ادبیت به شمار می‌آیند، سینه آن مرحوم یک گنجینه نفیس ادبی بود، کتاب منظومه (سنن و آداب) ایشان به زبان عربی، یکی از برجسته‌ترین آثار ادبی و نیز از شاهکارهای فن شعر به حساب می‌آید.^۲ همچنین تعلیقات مبسوط وی بر

۱. حاج شیخ محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۵، چاپخانه پیروز قم، ۱۳۵۳، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۲. سه بیت آغازین منظومه به نقل از گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۲۹۶.

چند کتاب فقهی چاپ سنگی و نیز در هامش نسخه خطی، شمار ۸۶ *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة* از شهید ثانی درخور توجه و تأمل است.^۱
از آن مرحوم چهار فرزند، (یک ذکور و سه تن دیگر اناث) به جا ماند.

آیت الله حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار

محمدحسین متخلص به دانشور، ملقب به حسام الدین، مکنی به ابوالقاسم و مسجّل به شریعتمدار ساوجی از اجله عالمان و ادیبان معاصر، در ۹ بهمن ماه، ۱۲۸۲ خورشیدی، در شهر تاریخی ساوه و در خانواده ای خوش نام از بیت علم و فضیلت چشم به جهان گشود.^۲
ایشان ادبیات و عربی و قسمتی از سطوح را در زادگاه خود نزد پدر دانشمندش فرا گرفت، «اما از آنجا که روح حقیقت جو و سرشت دانش پژوهی داشت، در همان طلوع جوانی دریافت که ساوه برای جولان مرکب دانش اندوزی و کسب فضایل کوچک است، ناگزیر همراه پدر برای تحصیل به شهر قم روانه گردید، و در آن شهر روح تشنه خود را از چشمه های جوشان و استوانه های فقه شیعی مقیم آنجا سیراب ساخت.»^۳
«علوم عقلی و نقلی را نزد اساتید برجسته ای مانند: آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی و میرزا محمد همدانی و سطوح نهایی را قسمی از مرحوم آقا میرزا محمد همدانی و قسمی از سطح و خارج را خدمت آیت الله میرزا سیدعلی یثربی کاشانی خواند.^۴ در موقع مهاجرت آیت الله نایینی،^۵ دروس خارج «لباس مشکوک» را از درس آن بزرگوار آموخت و در مدت بیست سال توقف و اقامت در قم و حوزه علمیه، دائماً مشغول به تدریس [بود]، در اوایل ادبیات را و در اواخر کفایه، مکاسب و وسایل را تدریس می نمودند»^۶ و از معدود کسانی است که چهار دوره تمام از درس مرحوم آیت الله حائری^۷ استفاده برد، «در همان اوقات به عنوان یکی از فضلاء درس ایشان،

ما امکنت اذکر لفظ الخیر / تبرکا بذکر عین الاثر

۱. محمدحسین حکیم، *اوراق عتیق*، دفتر ۲، «فهرست نسخه های خطی کتابخانه شهید هاشمی نژاد ساوه»، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰، ص ۴۹۶.
۲. همان، ص ۴۶۷، تاریخ تولد وی (۱۳ رجب ۱۳۲۶) درج گردیده که نادرست است.
۳. همان.
۴. آیت الله حاج میرزا سیدعلی یثربی کاشانی، متولد ۱۳۱۱ ق، از مراجع و اساتید میرز حوزه علمیه قم، سال های زیادی در قم سمت استادی داشت. وی در سال ۱۳۷۹ وفات نمود و در کاشان به خاک سپرده شد.
۵. آیت الله حاج میرزا حسین نایینی، از بزرگترین علما و فقهای امامیر معاصر است که به فصاحت و حسن خط معروف است. وی در بسیاری از شهرهای اسلامی مرجع شیعه می بود، وفاتش به سال ۱۳۵۵ ق اتفاق افتاد. (فرهنگ معین، ج ۶، اعلام، ص ۲۱۰۳، با کمی تغییر)
۶. *گنجینه دانشمندان*، ج ۵، ص ۲۹۸.
۷. آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (۱۲۶۶ - ۱۳۵۵ ق) از بزرگان فقها و مراجع شیعه به حساب می آید. او بعد از فراگیری علوم مقدماتی در یزد به عتبات رفت، در سال ۱۳۲۲ ق به قصد زیارت به شهر مقدس قم آمد و در آنجا

قسمت سطح تدریس می‌کرد.»^۱

از مراتب و مقام علمی وی همین بس که بسیاری از علما حوزه علمیه قم هنگامی که ایشان در قم تدریس داشت، از درس و بحث آن بزرگوار نهایت استفاده را بردند. معظم له بعد از فراغت از جمیع سطوح عالی و نیل به درجه اجتهاد و روایت به گواهی حضرات عظام، حائری و اصفهانی و حجت و اجازه مفصل نقل حدیث از مرحوم محدث قمی به زادگاه خود مراجعت کرد.

در آن هنگام چراغ علم و معرفت حوزه علمیه ساوه و مراکز دینی رو به خاموشی گرائیده بود، آن بزرگوار بنا به سفارش آیت الله اصفهانی^۲ حوزه علمیه‌ای در آن شهر دایر نمود، به یمن حضور ایشان، مدرسان توانمند پروانه وار از هر سو گرد آمدند، جوانان مشتاق به حلقه درسش گرائیدند، دیری نگذشت، حوزه علمیه شریعتمدار، کانون جویندگان و پویندگان معارف اسلامی شد و پیرو آن مجالس درس و فزونی یافت، بعد از سالیان چند، بزرگان در آن جا پرورش و تربیت شدند که از بالیدگان و افتخار آفرینان زمان خود قلمداد می‌گردند.

این فاضل فرزانه همان طور که عمر پر برکت خویش را صرف تحصیل و تدریس و ترویج شریعت آل محمد و رفع حوائج نیازمندان نمود، به همان اندازه در زمینه اجتماعی و عمرانی هم منشاء خدمات ارزنده‌ای شد، از جمله می‌توان به بناهای مسجد انقلاب، مسجد روستای نورعلی بیگ، مسجد گلکار و مرمت امامزاده اسحاق^۳ اشاره نمود. در همین راستا «نه باب دکان برای مصارف مدرسه و مسجد ایجاد و وقف نمود، سه باب آن به همکاری و نیکوکاری اهالی و بقیه به خرج شخصی خودشان بود.»^۴

مرحوم شریعتمدار از طبع شعر و ذوق ادیبانه برخوردار بود، قصاید عربی و فارسی بسیار در مدایح و مراثی اهل بیت - علیهم السلام - و غیر آن دارد، دیوان اشعارش هنوز به چاپ نرسیده است. سرانجام این عالم و مجتهد بزرگ در خرداد سال ۱۳۷۱ ش. بدرود حیات گفت، طبق وصیتش در مسجد انقلاب ساوه در کنار در ورودی شبستان بزرگ دفن گردید.

به اصرار علما و فضلا، رحل اقامت افکند و حوزه علمیه را بنیان گذارد، وی در سال ۱۳۵۵ق. مطابق ۱۳۱۵ش. از دنیا رحلت رفت و در حرم حضرت معصومه (س) دفن شد.

۱. برگرفته از: سید علیرضا ریحان یزدی، *آینه دانشوران*، به اهتمام ناصر باقری بیدهندی، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۳۷۲، ص ۴۲۶.

۲. آیت الله حاج سید محمدحجت کوه کمری، فرزند سید علی، سال ۱۳۱۰ در تبریز متولد شد. بعد از تحصیلات مقدماتی و علوم جدید، در سال ۱۳۳۰ق. به نجف اشرف رفت، در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و در حوزه علمیه مشغول به تدریس گردید. مدرسه بزرگ حجتیه که از حوزه‌های درسی طلاب علوم دینی محسوب می‌شود، به دستور وی ساخته شد. به سال ۱۳۷۲ وفات نمود و در قم مدفون گردید. (با تصرف و تلخیص از: *زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران*، ج ۳، ص ۸۲ - ۸۱)

۳. آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵) در اصفهان نشو و نما یافت و در سال ۱۳۰۷ برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت. پس از مرگ میرزا حسین نایینی مرجعیت به سید ابوالحسن منحصر گشت، و در نجف ماند تا در سال ۱۳۶۵ مریض و برای معالجه عازم سوریه شد؛ در بازگشت، در کاظمین درگذشت.

۴. گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۲۹۹.

در این بخش اجازات و اسنادی به صورت جداگانه هریک در مقام خود بررسی و معرفی می شوند.

پیشینه خانوادگی

یکی از موهبت‌های خدادادی که محمدحسین جوان از آن بهره‌مند شد، بزرگی و شرافت دو نسل پدر و مادری‌اش بود که در سرشت وی تجلی یافت. شش پشت دودمان پدری ایشان (آیت الله شیخ محمدرضا فرزند شیخ ابوالقاسم فرزند ملا جمشید فرزند آقا موسی فرزند مولی محمد) همگی آنان به نام شناخته شده‌اند، اما اطلاع ما از آنان بسیار اندک است، همین قدر پیداست که ثقة‌الاسلام شیخ ابوالقاسم در عصر خویش به ارشاد و امور شرعی مردم و نیز تولیت برخی از وقفیات را به عهده داشته و ملا جمشید به اتفاق فرزندانش در ساوه و شهرهای قزوین و بروجرد و غیر آن، با سمت استادی به تدریس و گاهی کتابت روزگار می‌گذرانیدند، در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه شهید هاشمی نژاد ساوه، نگارش دو نسخه خطی به نام آنان گزارش شده است. از زندگی دیگر اجداد این سلسله تا زمان نگارش این سطور اطلاعی به دست نیامد، اما برخی از منابع آگاهی‌های روشن و جامع‌تری از مراتب زندگی تبار مادری وی ارائه داده‌اند، اجداد مادری‌اش «در دوره صفویه از سبزار - به دلیلی که بر ما پوشیده است - به ساوه نقل مکان کردند»^۱ و در همان‌جا ماندند، پشت در پشت این سادات عالی نسب تا دوره پادشاهی نادرشاه افشار، همواره از طرف حاکمان وقت به حکم «شیخ الاسلامی» نایل آمدند، مادرش (همسر آیت الله شیخ محمدرضا) به نام شعرا خانم دختر عمده‌العلماء، حاج میرزا سید اسماعیل حسینی، فقیه و عالم جلیل‌القدر و ملقب به «شیخ الاسلام» فرزند سید محمد کوچک است که پیش از این عهده دار آن مقام بود.^۲ «پشان در طول عمر پیوسته در خدمت علم و مذهب و ملجا و مرجع امور شرعیه مردم آن سامان به شمار می‌آمد»^۳. «وفاتش به سال ۱۳۱۵ ق. اتفاق افتاد و در نجف اشرف، رواق مطهر حضرت علی (ع) دفن گردیده است»^۴.

۱. مرزبان مکتب اهل بیت علیهم السلام، مختصری از شرح حال و آثار علامه سیدمرتضی عسکری، ص ۹
۲. نک: «نه فرمان شیخ الاسلامی برای ساوه»، پیام بهارستان، دوره دوم، ش ۱۰، ص ۱۱-۳۱، در اسناد ارائه شده، فرمان شیخ الاسلامی سیداحمد به سال ۱۱۹۰ و میرزا کوچک برای سال ۱۲۵۱ صادر و تنفیذ گردیده، و در سند ش ۶ با عنوان حکم شیخ الاسلامی سید اسماعیل برای ساوه، در سال ۱۳۱۵ درج شده، که درست به نظر نمی‌رسد، زیرا در همان سند آمده: «چون در این اوقات [۱۳۱۵] حاج میرزا سید اسماعیل حسینی شیخ الاسلام ساوه به رحمت ایزدی پیوسته و مراتب فضل و زهد و ورع جناب مستطاب شریعت مأب حاج میرزا محمدولدار شد آن مرحوم... مشار الیه را به لقب جلیل شیخ الاسلامی ملقب فرمودیم...»؛ بنابراین سند مزبور در اصل، حکم شیخ الاسلامی سید محمد فرزند حاج میرزا اسماعیل است، مضاف بر مستمری نقد و جنس وی که برای فرزند دیگرش «میرزاهاشم» برقرار شد. در نتیجه سه نسل این خاندان (سید محمد فرزند سید اسماعیل فرزند سید محمد کوچک) به مقام و منصب شیخ الاسلامی ساوه دست یافته‌اند
۳. به اختصار از: نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۶۴، در ادامه در همین مأخذ آمده است: ایشان در سفر حج خانه خدا سفرنامه‌ای نگاشته و منازل کوفه تا شام را که اسرای کربلاء حسینی پیمودند، به طرز شیوایی به ثبت و ضبط آن‌ها پرداخته است.
۴. در منابع تاریخ فوت وی ۱۳۰۶ به بعد ذکر شده است.

عذرا خانم، مادر بزرگ مرحوم شریعتمدار، دختر بزرگ آیت الله حاج میرزا احمد ساوه‌ای معروف به «حجت الاسلام» از فقها و دانشمندان سده چهاردهم به شمار می‌رود، «وی در ساوه تولد یافت و تحصیلات عالی حوزوی خود را نزد اساتید بزرگ عتبات به پایان رساند، سپس به ساوه بازگشت»^۱. آن عالم زاهد روحی لطیف و سرشار از ذوق شاعرانه داشت، و صاحب جنگ شعری نیز بوده، شهاب (شهاب‌الدین) تخلص می‌کرد، مرحوم شریعتمدار چند غزل او را در دیوانش درج کرده است، «وفاتش در ربیع الاول ۱۳۴۰ ق. رخ داد، پیکرش را در قبرستان شیخان قم کنار قبر زکریا بن ادريس اشعری به خاک سپردند»^۲.

اجازات

آیت الله شریعتمدار بیش از دو دهه تحصیل و تدریس در حوزه علمیه قم در سال ۱۳۱۷ ش. به وطن مالوف بازگشت، این اوقات با داشتن اجازه اجتهاد یک مجتهد مسلم و نظریه پرداز در باب فقه به شمار می‌رفت. پیش‌تر از مشایخ خود و عالمان دیگر یعنی: آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله حجت، آیت الله حاج شیخ عباس قمی و آیت الله میرزا محمد مجتهد قمی، آیت الله میرزا حسین نایینی، آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم کبیر قمی، آیت الله بروجردی، آیت الله حاج سید محسن حکیم - رحمه‌الله علیهم اجمعین - را اجازه اجتهاد، نقل روایات، اخبار و احادیث اهل بیت - علیهم‌السلام - و نیز اجازه تصدی و وکالت در امور شرعیه و اخذ وجوهات و کمک به فقرا و سادات دریافت کرده بود. بعضی از اساتید در اجازه‌ای که برایش نوشتند، او را در مسایل شرعی و فرعی صاحب نظر دانسته و وی را در عمل طبق نظر و فهم خود مجاز قرار دادند.

پوشیده‌نماند در میان اجازات جای سخن، نامه‌هایی وجود دارد - برخی فاقد تاریخ - که در آن‌ها از عالمی با واسطه یا به طور مستقیم درخواست اجازه شده، به این دلیل، به درستی نمی‌توان تقدم و تأخر آن‌ها را روشن ساخت. به عنوان نمونه: مرحوم شریعتمدار پیش‌تر اجازه‌ای آماده نموده به ضمیمه نامه‌ای برای استاد خود به قم فرستاد، تا ایشان در صورت صلاح و صواب امضاء نمایند، آیت الله حائری در جواب نوشته: «حقیر نوشتن را ترک کردم، به بعضی از ملاحظات که نظام شرح آن نیست» (تصویر شماره ۱) همین طور، ایشان در نامه‌ای دیگر از حضرت آیت الله خوانساری خواسته بود، تا از محضر آیت الله بروجردی^۳ اجازه‌ای برایش دریافت نماید، معظم له در قسمتی از جوابیه خود، چنین تقریر نموده: «البته جلالت شما بر همه کس معلوم است و از هر کس که بخواهید در دادن اجازه بی‌مضایقه است... اما از حضرت آیت الله بروجردی، احقر اولاً مدت ده روز بود، که مشغول بخوردن دوا و از رفتن به نماز و مباحثه معذور بودم و در اوقات دیگر هم ملاقاتی از ایشان جز در مجالس عمومی نمی‌نمایم، خوب است، ارجاع نمائید به حضرت آقای حاج آقا روح الله که در مجالس سری

۱. با تصرف و تلخیص از تربیت پاکان، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲. همان، با کمی تصرف.

۳. آیت الله العظمی طباطبائی بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰) از مراجع بزرگ تقلید.

ملاقات می‌نمایند...» (تصویر شماره ۲)

تعدادی از این قبیل نامه‌ها در دست است، که در اینجا فرصت پرداختن به آن‌ها وجود ندارد. پیداست پیامد اجازات، اجتهادی، روایتی و حدیثی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ بنابراین بدون سبک و سنگین کردن آن‌ها، هر یک در جای خود قرار می‌گیرند.

در میان گواهی‌های حاضر، تصدیق مرحوم محدث قمی با تفصیل بیشتری به نگارش درآمده و حائز اهمیت است، آن مرحوم در اجازه حدیثی خود به تاریخ، جمادی الاخر ۱۳۴۹^۱، مجاز را با صفاتی چون، الجلیل، الفاضل، النبیل، المحقق المدقق و... خطاب قرار داده،

مرحوم شریعتمدار در جریان قبل و بعد از اخذ اجازه مزبور شرحی قابل توجه نگاشته، قسمتی از آن چنین است:^۲
«مرحوم آیت الله العالم الخبیر الکبیر آقای حاجی شیخ عباس محدث قمی - طاب ثراه - اذان صبح ۱۴ ج ۲ ۱۳۴۹ در محراب مسجد کوچک جنب خانه مرحوم حاجی سیدعلی بلور فروش، (بعد از اجازه لسانی که مفتخرتان کردم) خط مرحوم استاد معظم الحدیث المحدث الخبیر آقای حاجی میرزا حسین نوری را به من مرحمت کرد و فرمود: برو بنویس و بیاور، بعداً امضا می‌کنم، با کمال شغف گرفتم و فردا بردم خدمتش، دو خط اول و آخر را که رقم خود حقیر بود و دعای آخر و نام مقدس خود استاد [را] باز گذاشتم... مرقوم فرمود.»
مرحوم آیت الله حجت در اجازه روایتی خود به تاریخ ربیع الثانی ۱۳۵۹ ق، ایشان را صاحب مراتب علییه، علمیه و عملیه شناخته و از وی با عناوین: العالم، العامل، زبده، الافاضل الکرام، ثقه الاسلام یاد کرده،^۳ این عالم بزرگ در اجازه دیگری، مرحوم شریعتمدار را مجاز و ماذون در وکالت وجوه تصرفی بابت کمک به فقرا دانسته، (تصویر شماره ۵) در ذیل وهامش همین اجازه، دو اجازه کوتاه از حضرات بزرگوار آیت الله بروجردی در تاریخ ۱۴ رجب ۱۳۷۲ با نام حسین طباطبائی و نشان مهر بیضوی و آیت الله حکیم^۴ مورخه ۱۴ شوال ۱۳۸۱ با نشان مهر دایره‌ای، و با امضای طباطبائی حکیم، مشاهده می‌شود. جز این آیت الله بروجردی در اجازه مستقلی در تاریخ ۲۲ شعبان ۱۳۷۲ ایشان را در تصدی کمک بابت سهم به فقرا و مستمندان مجاز قلمداد نموده است.^۵
از مشایخ دیگر آن بزرگوار می‌توان به آیت الله سید محمد مجتهد قمی اشاره نمود، که در اجازه روایتی خود از او با تمجید و تفضیح یاد کرده در مقامش این جملات را به کار برده است:
«... گوی سبقت از امثال و اقران ربوده... در آتیه ترقیاتی در ایشان مشاهده می‌کنیم؛ از این جهت که دارای

۱. نک: تصاویر شماره ۳ و ۴.

۲. برگرفته از گزیده خاطرات شریعتمدار، شرح کلی آن در خاطراتش نگاشته شده است.

۳. نک: ذیل تصویر شماره ۴.

۴. آیت الله سید محسن حکیم (۱۳۰۶ - ۱۳۹۰ق) از مراجع تقلید شیعه بود.

۵. نک: تصویر شماره ۶.

۶. آیت الله سید محمد مجتهد قمی (فیض) (۱۲۹۳ - ۱۳۷۰ ق) ایشان مقام مرجعیت و زعامت و استادی داشته و تألیفاتی هم از وی به یادگار مانده، مدفش در ایوان طلای حضرت معصومه است. (رضا استادی، گروهی از دانشمندان شیعه، چاپ اول، قم، ۱۳۸۳، ص ۴۷۳، با تصرف و تلخیص).

قوه تشخیص خبر صحیح از غیر صحیح می‌باشند، اجازه دادم ایشان را که نقل روایات و اخبار نمایند...» در ذیل همین اجازه، تصدیق کوتاه، اما فاخر آیت الله میرزا حسین نایینی با عبارت: «... جناب آقای معظم له... مجاز و ماذون می‌باشند، در نقل اخبار به لحاظ واجد بودن قوه تمیز بین غث و ثمین اخبار...» و جیزه خود را خاتمه داده. آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در اجازه بدون تاریخ خود، ضمن تأیید مرتبه اجتهاد و چند توصیف، ایشان را در نقل روایات مجاز قرار داده‌اند.

به این ترتیب، در حاشیه اجازه روایتی، آیت الله میرزا ابوالقاسم کبیر قمی^۱ مورخ ۶ ذی قعدة ؟ ۱۳۴۰ ق، تصدیق دیگری به شیوه چلیبائی با امضاء محمدرضا القمی، ۱۳۴۸، به همان قسمی که در متن آمده، گواهی و به نگارش درآمده است. (تصویر شماره ۷)

در این راستا آخرین گواهی، اجازه آیت الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم می‌باشد، که باید آن را از جهاتی مهم‌ترین اجازات مرحوم شریعتمدار تلقی نمود، آن بزرگوار در اجازه اجتهادی‌اش، دانش آموخته خود را با عناوین مانند: العالم، الفاضل، الكامل، صاحب مراتب العلیه و ... توصیف کرده و برای تبیین وابستگی و عمق دلبستگی میان استاد و شاگرد، ترکیب «قره‌العین» را به کار بسته و در انتهای تصدیق به جهت نشان دادن میزان هوش و استعدادش، وی را با قید جمله «بلغ مرتبه الاجتهاد مع صغر سنه» مجاز خود را مفتخر ساخته و او را به معراج کمال نشانده است.^۲

در این میان بزرگان، شاعران و دانشمندان هم عصرش با عبارات و توصیفات با شکوه و شایسته تری به استقبال شخصیت علمی وی رفته‌اند که در اینجا از درج آن موارد صرفه نظر می‌گردد.

اسناد:

مقارن با سال‌های آغاز سلطنت رضا شاه، اداره معارف و اوقاف برابر برنامه‌های جاری خود، هر سال (دوره شش ساله) از طلاب علوم دینی امتحان به عمل می‌آورد، چنانچه قبولی آنان در امتحانات مزبور محرز می‌گشت، اجازه تحصیل در سال بعد را به دست می‌آوردند، در غیر این برای آنها مشکلاتی، هم چون ترک تحصیل به بار می‌آمد. در میان اسناد حاضر چندین فقره از این گواهی‌ها با تاریخ‌های متفاوت دیده می‌شود،^۳ جز این که در ورقه تصدیق مورخ ۳۱ فروردین ۱۳۰۸، آمده: آقای شیخ محمدحسین شریعتمدار... کتاب‌های مکاسب تا ثلث، کفایه تا آخر و شمسیه ج ۱ را با موفقیت امتحان داده و آقای آقا میرزا صدرالدین مجتهد کتباً اشتغال به تحصیل ایشان را گواهی نموده، هم چنین در گواهی مورخ ۱۳۱۶، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - که در آن هنگام به سختی گواهی صادر می‌نمود - مراتب مدرسی ایشان را در فقه و اصول مورد تأیید قرار داده است.

۱. آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم کبیر قمی (۱۲۸۵ - ۱۳۵۳ ق) از مراجع و اساتید حوزه علمیه قم، تألیفات فراوان و شاگردان زیادی داشت. در سال ۱۳۵۳ فوت نمود و در حرم حضرت معصومه (س) دفن گردید. همان، ص ۴۷۵.

۲. نک: تصویر شماره ۸.

۳. منظور شش برگ گواهی به تاریخ: ۳۱ فروردین ۱۳۰۸، ۲۶ / ۱ / ۱۳۰۹، ۱۵ / ۲ / ۱۳۱۰، ۲۷ / ۸ / ۱۳۱۰، ۱۵ / ۳ / ۱۳۱۱ و ۱۳۱۶ است.

در زمان آیت الله حائری مسائلی در رابطه با حوزه علمیه مطرح بود، که بسط آن در اینجا لازم به نظر نمی‌رسد. ایشان برای پاسخ به این گونه اتهامات واهی «با بالا بردن سطح کیفی طلاب و سعی در برگزاری امتحان، به جذب افراد مستعد برای تحصیل در حوزه پرداخت»^۱ جدا از این اداره معارف هم امتحاناتی را به راه انداخته بود تا به وسیله آن از ورود افراد بیسواد و کم علاقه به حوزه جلوگیری نماید، پیرو همین موضوع از سوی ممتحنین اداره معارف در جلسه امتحان نسبت به طلبه‌ها سخت‌گیری و خرده‌تراشی می‌شد؛ از این رو طلاب احساس خوشایندی به آن نداشتند.

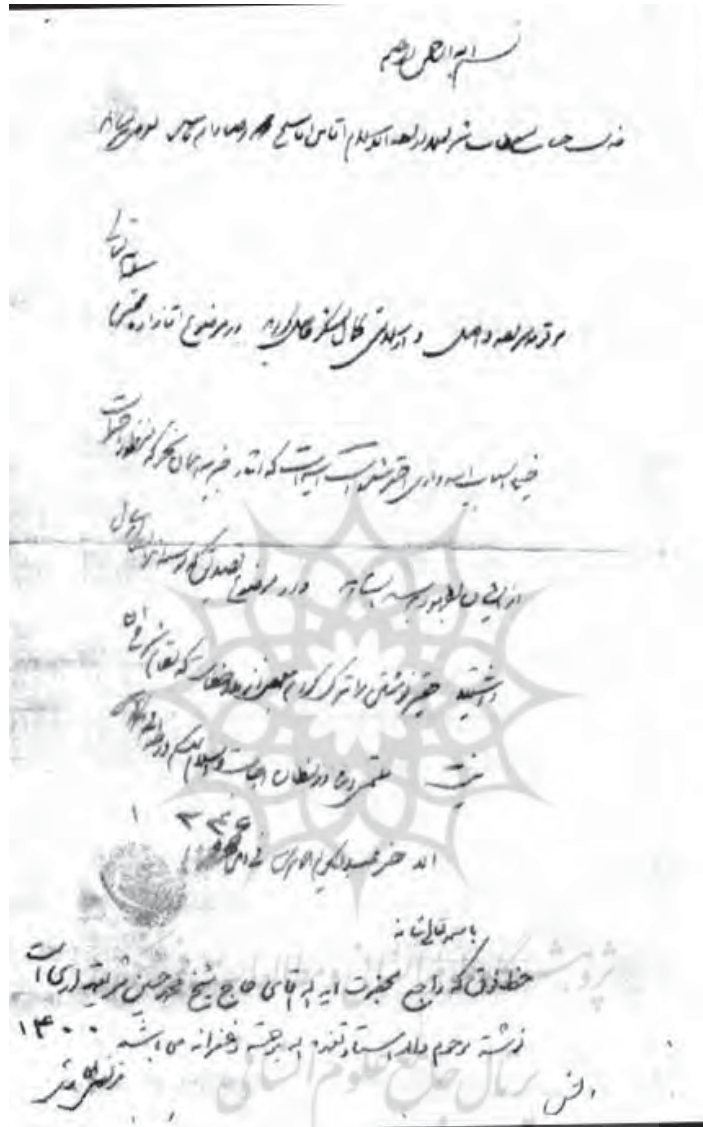
در خلال روند این گونه محدودیت‌ها، مانند طرح متحدالشکل شدن لباس، مصوب ۶ دی ۱۳۰۷ مشتمل بر چهار ماده، که در سال ۱۳۰۸ در شهرهای کشور به اجرا درآمد، طبق ماده دو قانون استثنا شدگان، هشت طایفه مجاز به پوشیدن لباس روحانیت بودند، چون اعتراض و تحرکات کارسازی که طرح‌های رژیم را به تأخیر و تعلل بیاندارد، شکل نگرفت، روحانیون و بزرگان هم مخالفتی از خود نشان ندادند، حتی، «از جمله مواردی که گفته شد، آیت الله حائری سکوت کرد، در مورد متحدالشکل بودن لباس بود»^۲.

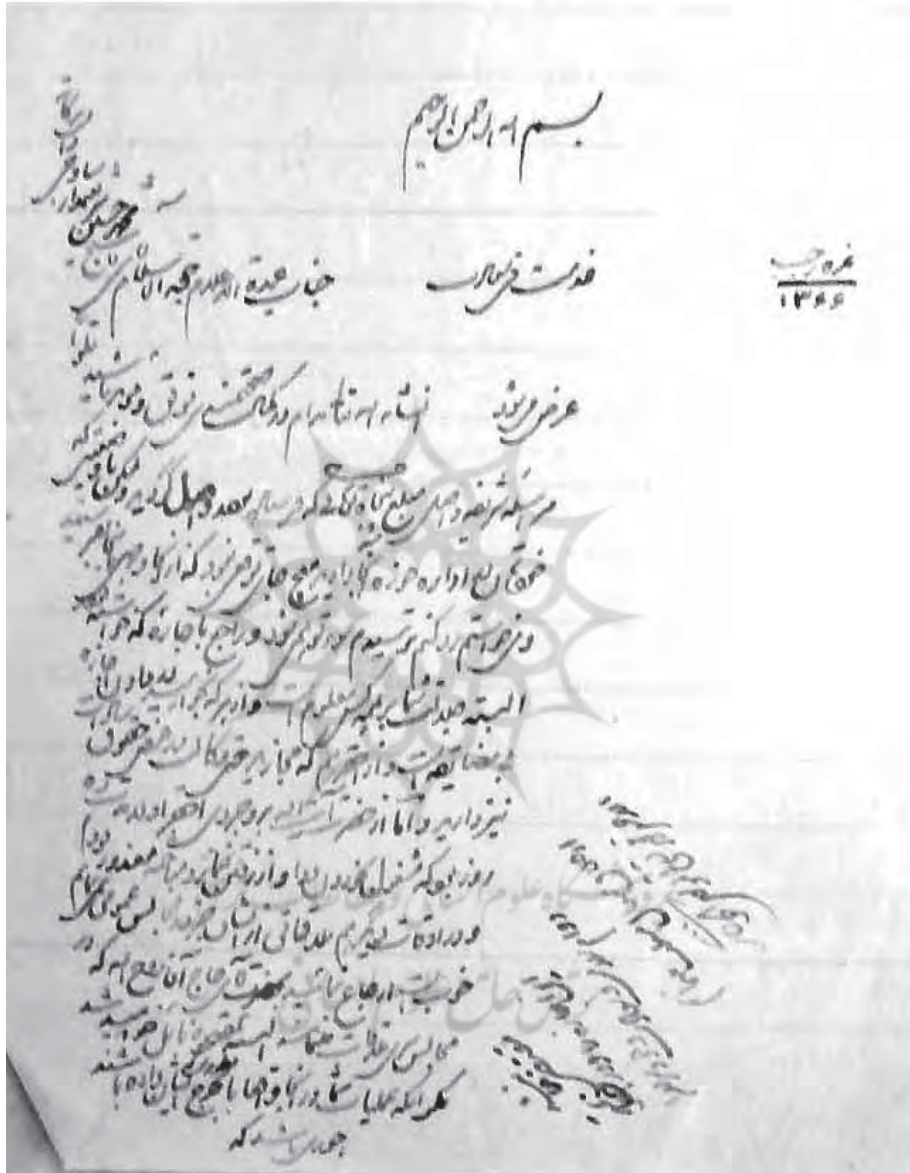
اداره حکومتی قم در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۰۸ ورقه تصدیق حضرت آقا شیخ محمدرضا ساوجی را طبق اجازه‌نامه آقای آقا میرزا محمد مجتهد مجاز و تصویب حضرت آیت الله عبدالکریم در پوشیدن لباس روحانیت مجاز دانسته، همین گواهی در تاریخ ۴ / ۴ / ۱۳۱۷ توسط فرمانداری ساوه مورد رسیدگی و تأیید محلی قرار گرفته است.

همین طور گواهی مورخ ۲۴ / ۳ / ۱۳۱۵، از ناحیه اداره حکومتی قم و نیز گواهی مورخه ۳۱ / ۳ / ۱۳۱۷ صادره از اداره فرمانداری ساوه و مضافات: «آقا شیخ محمدحسین شریعتمدار، مدرس فقه و اصول، در پوشیدن لباس روحانیت، مجاز قلمداد گردیده» در آن زمان، دریافت چنین جواز، آن قدر هم ساده نبود، بلکه با خفت و زحمت، حتی گاهی با آبرو ریزی تحقق می‌یافت.

هیئت دولت در ۱۹ خرداد ۱۳۱۵ «برای تربیت اکابر و روشن ساختن اذهان عموم و هدایت افکار طبقه جوان و دانش‌آموزان کشور و آشنا ساختن عامه به اوضاع عصر جدید ایران اساس نامه طرح موسسه وعظ و خطابه را در سه فصل به تصویب رساند.» در آغاز اجرای طرح بسیاری از روحانیون بدون توجه به فرایند فکری و فرهنگی آن، برابر مواد قانونی، ناگزیر به استقبال طرح مزبور رفتند و به عضویت آن درآمدند، پیرو همین موضوع از طرف دانشکده معقول و منقول [الهیات و معارف اسلامی] گواهی اشتغال به تحصیل آقای شیخ محمدحسین شریعتمدار ساوجی در تاریخ ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۱۵ با امضاء مرحوم بدیع الزمان فروزانفر، رئیس مؤسسه برای وی صادر شده و آخرین سند مربوط به زمانی است که انجمن فرهنگی در ایران تأسیس شد، به درخواست حکومت و وزیر فرهنگ وقت (عیسی صدیق) مرحوم شریعتمدار از تاریخ ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۳۹ برای مدت دو سال به عضویت آن برگزیده شد.

۱. حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضا شاه، ص ۲۴۹، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷، ص ۳.
۲. همان، ص ۲۴۹.



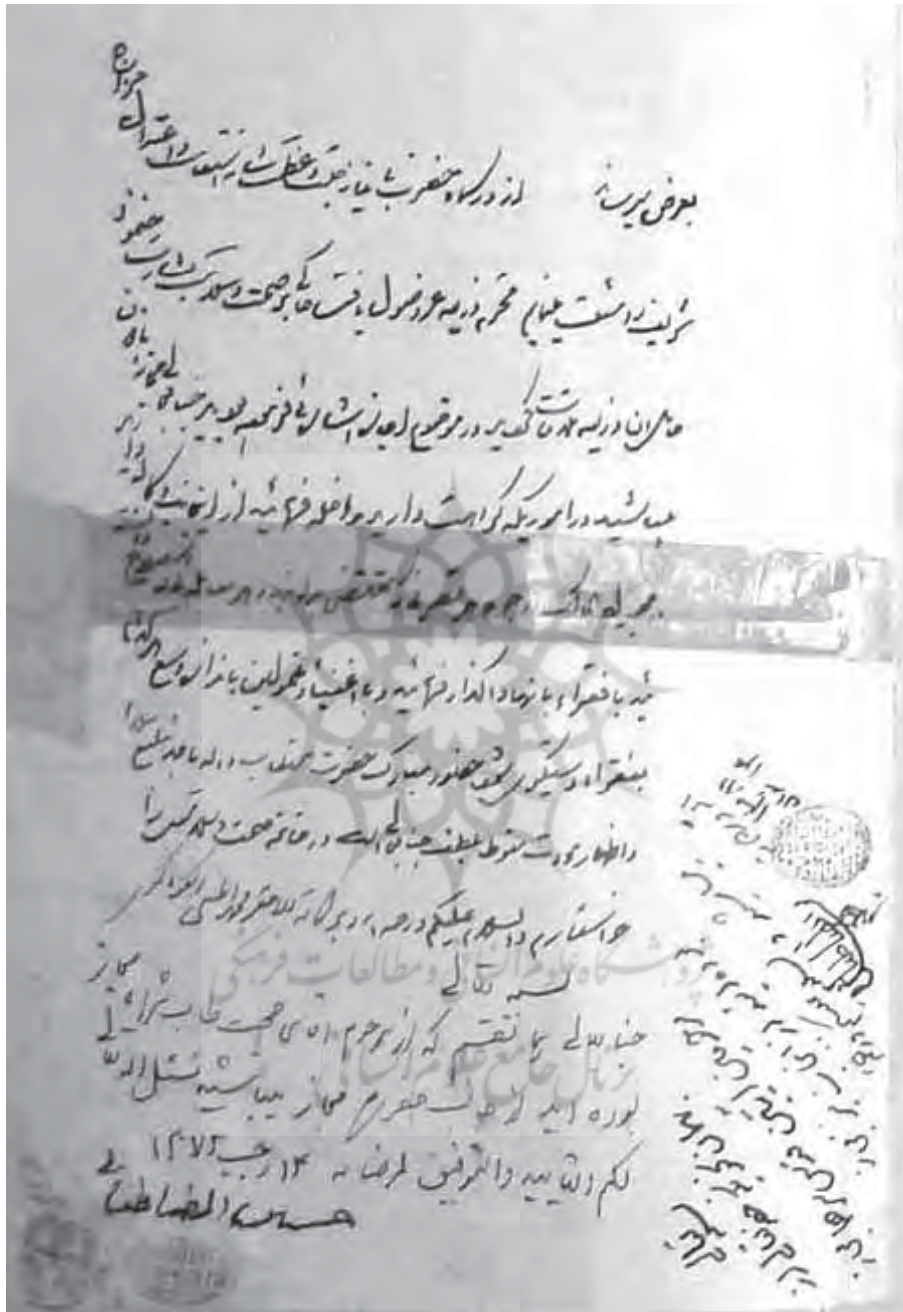


تصویر شماره ۲

بسم الله الرحمن الرحيم و بسمین
 الحمد لله الذي وضع لنا السبيل الى احكام جعل الرواية طريقا لاخذنا من به ايات و تصدوه اسلامي
 وسفره المصنوعين الكرام و بعد
 اجازة ما يصلح الى اجازته مما ضف في رواه علمنا سائلا من سلفنا الصالحين رضوان الله عليهم من الكتب المشهورة
 الاربعة التي في دعائم الاسلام جمع الفقهاء العظام غير من الكتب الاربعة التي في الشهرة فاخرت ان يكون
 جميع ما روته عن ابي العظام اعداء و اعداء ما روته اجازة عن شيخنا الاجل قدس سره خاتم المؤمنين لعظام العالم
 الشريف ابي القاسم قدس سره في فضل الهدى الحاج ميرزا محمد حسين البرزطري في المطبوع في المدينة المقدسة في حق العبد
 شيخ محمد بن ابي القاسم قدس سره الحاج ميرزا محمد بن عبد الله الطباطبائي في علومه عن شخص بهيبتها عن ابي القاسم
 المجلس المطبوع المذكور في اجازات كتاب الفقه في بيانها و اراد ان السبيل الاجتياح سداد و لتبرك محمد بن
 من الشيخ المسلمة الاجازة فيقول في اجازة من الشيخ في الفقه الحديث في ميرزا محمد بن النوري عن شيخنا الامام
 الاربعة التي في دعائم الاسلام في فضل الهدى في حق العبد في المطبوع في المدينة المقدسة في حق العبد
 عن ابي القاسم قدس سره في فضل الهدى في حق العبد في المطبوع في المدينة المقدسة في حق العبد
 الحاج ميرزا فتح الدين النائي عن شيخنا الامام في فضل الهدى في حق العبد في المطبوع في المدينة المقدسة في حق العبد
 الدين السيد الشافعي في فضل الهدى في حق العبد في المطبوع في المدينة المقدسة في حق العبد
 على ابي القاسم في فضل الهدى في حق العبد في المطبوع في المدينة المقدسة في حق العبد
 السيد ميرزا محمد بن الحسين في فضل الهدى في حق العبد في المطبوع في المدينة المقدسة في حق العبد
 المحقق الميرزا محمد بن الحسين في فضل الهدى في حق العبد في المطبوع في المدينة المقدسة في حق العبد

پیام بهارستان / ۲۰۲۶، س ۶، ش ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

تصویر شماره ۳



پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

تصویر شماره ۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بعضی مریدان
 مردوم عرفیه که عا که از محبت فرزند
 برد و هم گردید در مورد کبر استمازه نموده اند اگر بدین
 نیت و آبروسندجا بباله نصف را از جانب غیر دستگیر
 کنند با آنها قرض بدین معنی از جانب غیر از هزاره
 عطاء فرمود قرض نمود را بجزیر است و در کتب
 میبود مرجع آنکه در مواقع لزوم و دعا و غیره از فرزند
 والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ۲۲ شعبان ۱۳۹۲

رساله علمای انسانی

استخاره انساب کتب در حدیث کتب صحیح لغیر استخاره

تصویر شماره ۶

پیام بهارستان / ۲۵، س، ۶، ش / زمستان ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
والناجيين لهم اليوم الدين و بعد من جنتهم بروج
الاصحاح عشر اخضد ولاش لا شبع نجر حين نجر زكاه شرف عتبة
الهدى و زبر بغيره نرهدار بقه الدم لاش لا شبع نجر حين بربها
شوق كحليل و ايضا فرب رب عليه از علم نرشدند و قوه نمره
صحيح از نعم را دارند لهذا از جانب نرشدند در نظر رويد
لكنه يجره رعايت حقا و ان الله يساكن من علمه نازك و

اريد ان
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والناجيين لهم اليوم الدين
والاصحاح عشر اخضد
الهدى و زبر بغيره
شوق كحليل و ايضا
صحيح از نعم را دارند
لكنه يجره رعايت حقا
و ان الله يساكن من علمه


فان الله اعلم
بما تنصرون

تصویر شماره ۷

پیام بهارستان / ۲۲، س، ۶، ش ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين وبعد فان
العلم افاضته الطاهر صاحب المراتب العلية قره آئين شيخ فرحين
ساوجي دام فضله قد اجمع لكالات جوده جهدا متبوعا مرتبة الاجتهاد
سنة فقه بهر استنباط من ادله و اقرت في كتابه
فيه وعسى بالله حيا ط فانه طريق آية وان لا ينسب من الدعاء
سوار استجابة الدعوات واستدراكها ان يسيد بهدين
من ١٤٠١ هـ آئين رب العالمين

تصویر شماره ۸



توانا بود هر که دانا بود

دانشگاه تهران

دانشکده معقول و منقول

مؤسسه و عظم و خطابه

نظر بماده هفتم تصویب نامه هیئت وزراء مورخه اول شهریور ۱۳۱۵

ماده چهارم تصویب نامه ۱۹ خرداد ۱۳۱۵

آقای **حسین شریعتمدار** دارای شانزده سالگی در تاریخ ۲۱/۹/۱۳۰۹

صادر از بر طبق توضیحات منضمه مقابل جناب دانشجو

مؤسسه و عظم و خطابه مشغول تحصیل و از مزایای تحصیل در مؤسسه

بهرمند خواهد بود

تاریخ ۱۳۱۵/۹/۱۰ ماه ۱۳۱۵

اعضا، رئیس و مهر مؤسسه

Handwritten signature

سال تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶

اسامی ماهها

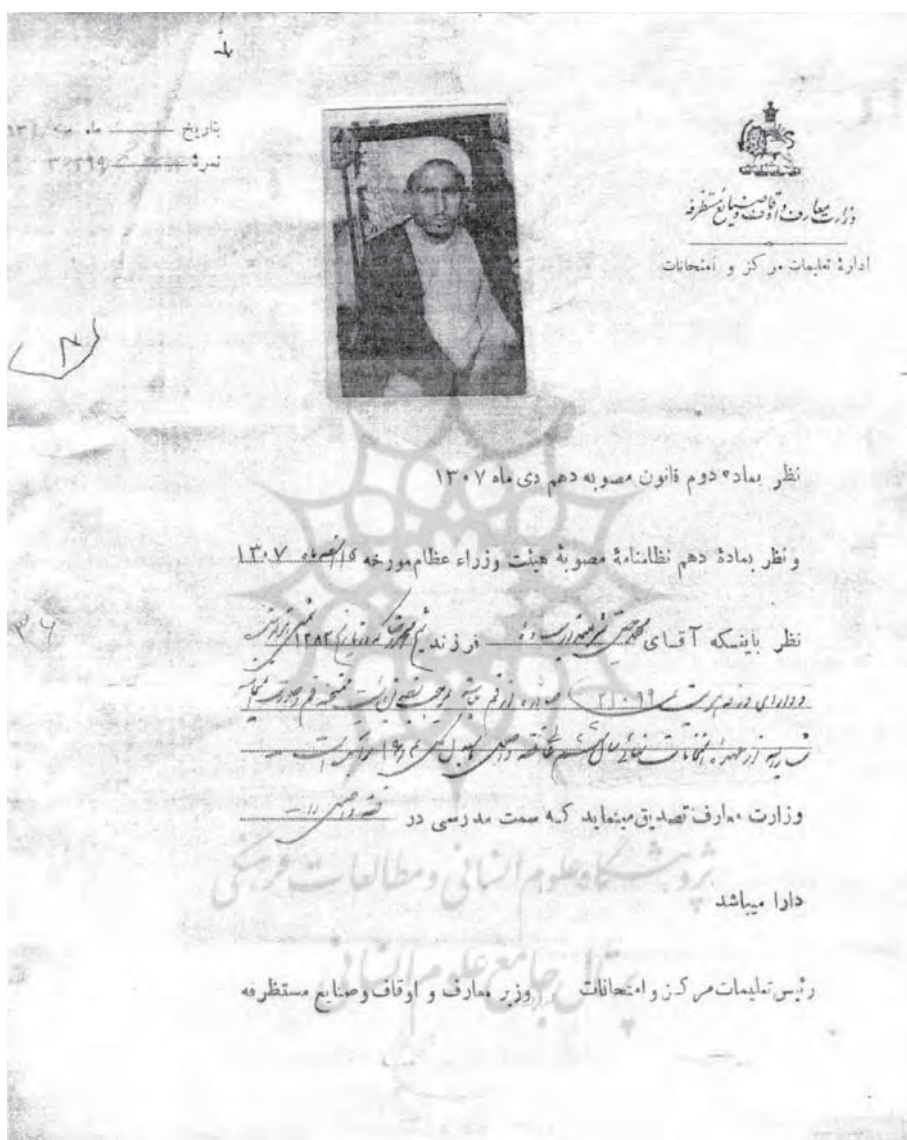
مهر	۷
آبان	۸
آذر	
دی	
بهمن	
اسفند	
اردیبهشت	
خرداد	

پیشگاه علم انسانی / خطبات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

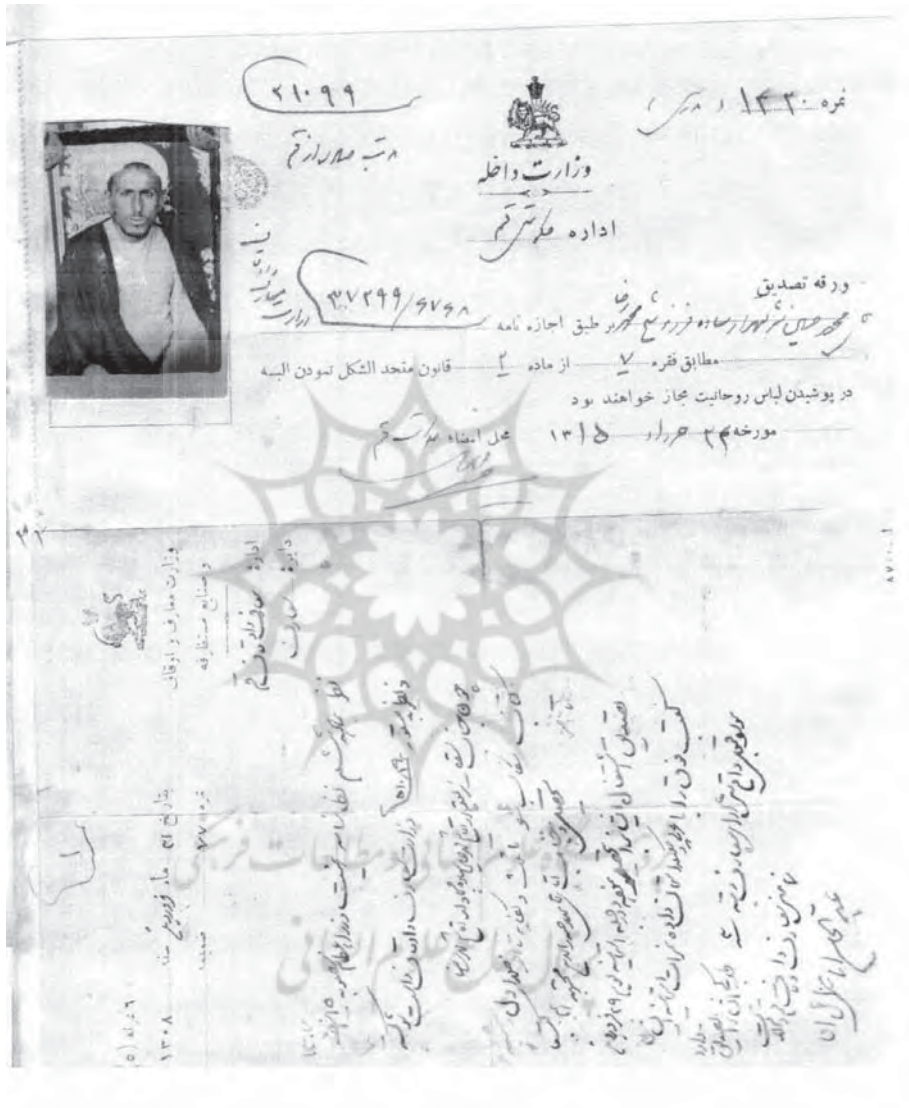
پس از خاتمه هر ماه رئیس مؤسسه چکونکی حضور و غیاب هر دانشجو را در مقابل آباء نوشته مهر و امضاء کرده باو مسترد خواهد داشت

تصویر شماره ۹



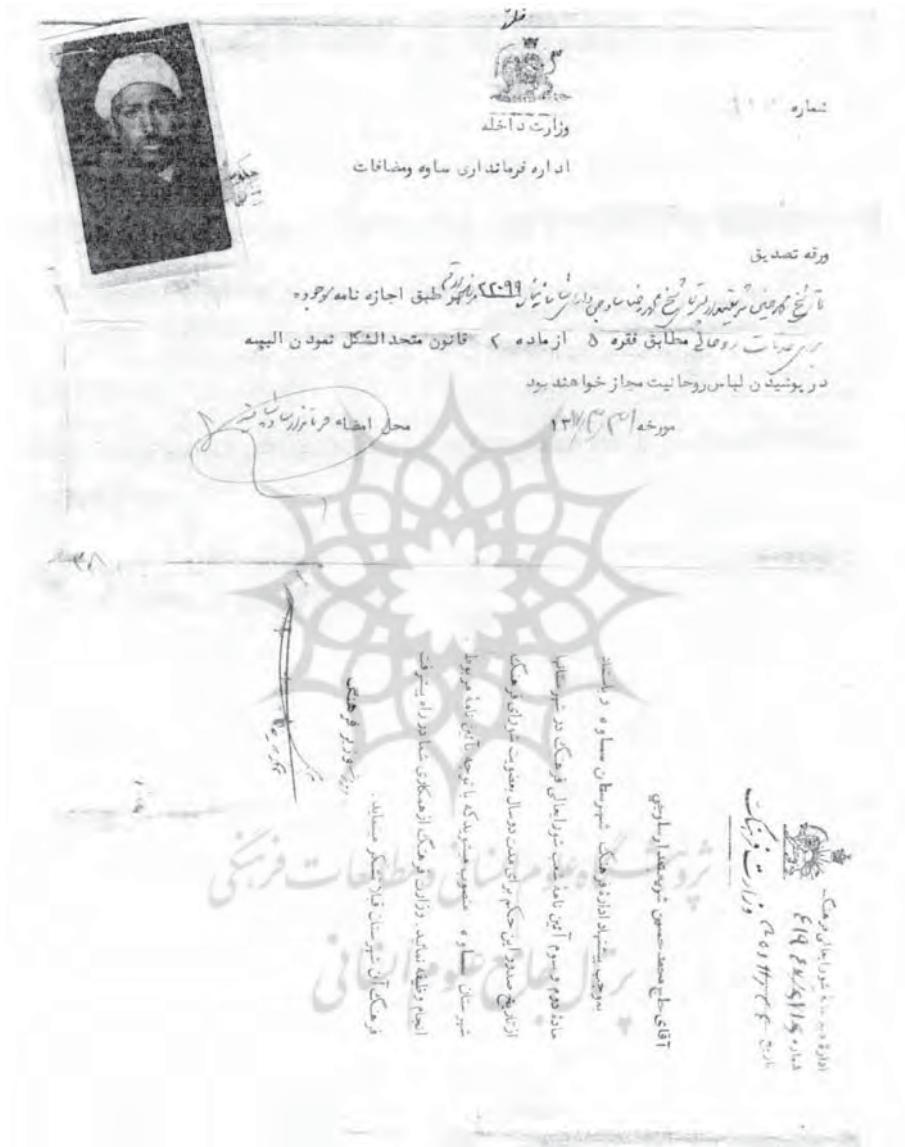
پیام بهارستان / ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

تصویر شماره ۱۱



پیام بهارستان / ۲۵، س ۶، ش ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

تصویر شماره ۱۲



پیام بهارستان / د ۲، س ۶، ش ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

تصویر شماره ۱۳